

## از «کنفرانس جنبش ها و خلقهای ایران» تا «پلاتفرم جنبش دموکراتیک خلقها در ایران»

ژاله احمدی - ۲۷ ژانویه ۲۰۱۸

من یکی از سخنرانان کنفرانسی بودم که در ۱۱ ژانویه ۲۰۱۸ در بروکسل، در محل پارلمان اروپا برگزار شد. آنچه که در آن روز گذشت خلاف آن چیزی بود که تصور می کردم.

شک به درست بودن جای من در همان مرحله بازگشائی، با سخنرانی پرزیدنت " بنیاد دموکراسی برای ایران " Kenneth R. Timmermann ، از آمریکا، که راه حل دموکراتیک ترامپ برای ایران را معرفی و تبلیغ کرد، آغاز شده، با خواندن قطعنامه ای در پایان کنفرانس به این یقین تبدیل شد که این کنفرانس جای من نبود. نزدیک بود خیال کنم که همگی، از شرکت کنندگان گرفته تا سازمان دهندگان این کنفرانس، برای مقاصد دیگر به بازی گرفته شده ایم. این فکر را از خودم دور کرده، روی ندانم کاری در برنامه ریزی برگزارکنندگان و چگونگی بازشدن پای من به این کنفرانس متمرکز شدم:

دعوت آقای بهرام رحمانی از من برای سخنرانی در برنامه ای که در پیش داشتند ۳۰ نوامبر ۲۰۱۷ در تماسی تلفنی صورت گرفت. دعوت ایشان را بر اساس اعتماد به فردی که مرا به ایشان معرفی کرده بود و اطلاعاتی که خودم در همان اولین تماس، با سؤالات مشخص از ایشان کسب کردم پذیرفتم. سؤالات من در مورد هویت سیاسی برگزارکنندگان، موضوع و هدف کنفرانس، انتخاب سخنرانان و سایر دعوت شدگان، و چگونگی و چرایی برگزاری برنامه ای در پارلمان اروپا، جواب هائی قانع کننده گرفت: عده ای از افراد چپ مستقل با یک پلاتفرم، تصمیم به برگزاری کنگره ای حول مسائل عمومی حقوق بشر، دموکراسی و خلقها، گرفته بودند. از آنجا که از طریق رابطه های دوستانه سالنی در پارلمان اروپا به مدت چهار ساعت، در روز ۱۱ ژانویه در اختیار داشتند، به سرعت مشغول کار شده بودند. سخنرانان از فعالان در رابطه با مسائل خلقهای ایران از جمله یکی از دو سخنران گرد از سازمان پژاک، و چهار نفر از جمله خود آقای رحمانی از فعالان چپ مستقل در زمینه مسائل عمومی دموکراسی و حقوق بشر بودند. برای مسئله زنان از طریق روابط شخصی به من رسیده بودند. چند میهمان خارجی نیز دعوت شده بودند که یکی از آن ها یک آمریکائی بود که روی موضوع دموکراسی کار کرده و یک کتاب نوشته بود، شرکت افرادی از آلمان و انگلستان قطعی نبود. تعداد شرکت کنندگان دیگر ۱۲۰ نفر بود. کل وقت چهارساعت، برای هر سخنران ۱۵ دقیقه وقت بود. به طنز گفتم پس در واقع می رویم اعلام موضع کنیم! آقای رحمانی با خنده ای تأیید کردند. هدف همان بود و بد هم نبود: هدف این بود که بتوانیم "علیرغم تفاوت ها و نظرات متفاوت به یک گفتگوی سازنده دست یابیم و صدای مشترکمان را در برابر بیدادگری جمهوری اسلامی رساتر کنیم" - نقل از ای میل آقای ابراهیم باقی، از سازمان دهندگان کنفرانس به تاریخ ۲۶ ژانویه ۲۰۱۸. برگزاری در محل پارلمان اروپا در این رابطه معنی می شد. از برنامه و از چارچوب و محتوای پلتفرم پرسیدم، گفتند هنوز چیزی نداریم. بنظرم در اینجا ایشان نفهمیدند که منظور من چیست. توضیح دادم که برای انتشار برنامه کنفرانس باید برگزار کننده، هدف کنفرانس و مضمون سخنرانی ها معرفی شود. هنوز اما نه پلاتفرمی موجود بود و نه برنامه ای. فرموله کردن مضمون این پلاتفرم به برگزاری جلساتی واگذار شده بود که این کنفرانس اولین اش می بود. با این قرار خداحافظی کردیم تا ایشان برای من برنامه و نوشته ای در باب پلاتفرم بفرستند. وقتی که خبری نشد تلفن ایشان را از آشنایانم در سوئد گرفتم و در ضمن فهمیدم که هیچ یک از افراد چپ مستقلی که من در سوئد می شناسم از این برنامه با خبر نبود. زنگ زدم به آقای رحمانی و سراغ پلاتفرم و برنامه را گرفتم. گفتند در آینده نزدیک جلسه ای دارند که در آن برنامه تنظیم می شود؛ آدرس ای میل مرا از آشنای مشترک گرفته و برایم می فرستند. دو هفته از آن زمان گذشت، از آقای رحمانی خبری دریافت نکردم. دوباره زنگ زدم و سراغ گرفتم. گفتند آقای ابراهیم باقی مسئول سازماندهی کنفرانس در بروکسل است، ایشان با همه سخنرانان تماس گرفته ولی موفق به تماس با من نشده است و ترتیبی دادند

که ایشان با من تماس بگیرند. همان موقع آقای باقی زنگ زدند و معلوم شد که یک اشکال تکنیکی موجب برقرار نشدن تماس با من بوده. از آن به بعد هیچگونه تماسی با آقای رحمانی نداشتم تا روز کنفرانس. در تماس با آقای باقی به ایشان گفتم من برنامه را می خواهم. ایشان نام سخنرانان ایرانی و ملیت شان را ذکر کردند و گفتند که یک آمریکائی هم هست. گفتم این ها را می دانم، من برنامه ای را می خواهم که اعلام می شود. گفتند هر وقت به دستم رسید می فرستم. دو تماس دیگر من و آقای باقی یکی در رابطه با مشخصات کارت شناسائی من بود و دیگری در ۲۴ دسامبر ۲۰۱۷ مربوط به خرید بلیت و ساعت رسیدن به بروکسل. ایشان آدمی توانا در کار سازماندهی بودند و من مطمئن بودم که چیزی بیش از آنکه من هم می دانستم در اختیار نداشتند. در مورد آقای رحمانی فکر کردم که خود ایشان هم تحت عنوان برنامه چیزی غیر از آنچه که در اولین تماس تلفنی صحبت شد نمی دانند. سعی کردم از طریق دوستان و آشنایانم در سوئد، در مورد جمع تشکیل دهنده پلاتفرم اطلاعی کسب کنم. با حیرت متوجه شدم که هیچ یک از آنان نه از پلاتفرم و نه از برنامه ژانویه در بروکسل اطلاع دارد. وقتی که از جستجو در اینترنت - از ۲۴ تا ۲۹ دسامبر - هم نتیجه ای حاصل نشد به این نتیجه رسیدم که هدف برگزارکنندگان تنها استفاده از محل پارلمان اروپا است برای تجمعی آکسیون مانند علیه جمهوری اسلامی. در روز چهارم ژانویه ۲۰۱۸ ایمیلی از آقای باقی دریافت کردم که حاوی اطلاعات لازم برای مدعوین سمینار بود با عنوان: با درود و تشکر از قبول دعوت ما به کنفرانس جنبشها و خلقهای ایران.

به این طریق با تیتز کنفرانس آشنا شدم. بعد از ظهر روز دهم ژانویه ۲۰۱۸ به بروکسل رسیدم. تدارکات عالی بود. بعد از بیش از سی سال دوری از محیط آشنای قدیمی، در فضائی دوستانه با پذیرائی گرم دوستان گرد، ساعاتی فراموش نشدنی را گذراندم؛ از برنامه اما هنوز خبری نبود. همین که از عنوان برنامه "کنفرانس جنبشها و خلقهای ایران" باخبر شده بودم راضی بودم.

برنامه، دقایقی قبل از شروع کنفرانس پخش شد. صفحه اول با عناوین، اسامی ارگان ها و آرم ها، جلب توجه می کرد. عناوین: کنفرانس بین المللی، - چشم انداز راه حل دموکراتیک برای بحران خاور میانه و ایران؛ برگزارکنندگان: پلاتفرم جنبش دموکراتیک خلق های ایران و فراکسیون چپ پارلمان اروپا با همکاری کمیسیون سیویک ترکیه در اتحادیه اروپا و انستیتوی گردی بروکسل تصویری غیر واقعی از کنفرانس ارائه می داد. این اما به خودی خود مهم نبود. می شد آن را به حساب تمهیداتی گذاشت برای اینکه صدایمان علیه جمهوری اسلامی جدی تر گرفته شود.

آنچه که در هنگام بازگشائی با سخنرانی میهمان آمریکائی اتفاق افتاد نه با موضعگیری چند نفری که در وقت کوتاهی که برای سؤالات شرکت کنندگان در نظر گرفته شده بود، با مثال های عراق، لیبی و سوریه مخالفت خود را با طرح امریکائی ابراز داشتند قابل رفع و رجوع بود، نه با موضعگیری مخالف آقای رحمانی، که به معنی عدم اطلاع سازماندهندگان از هویت میهمان آمریکائی بود که خود دعوت کرده بودند، قابل توجیه.

در پنل اول و دوم متناسب با تیترهای انگلیسی نوشته شده در برنامه، موضوع اصلی ما که جمهوری اسلامی بود زیر سخنانی در نقد دولت-ملت و طرح مسائل خلقهای ایران، رابطه زبان رسمی- فارسی، با سلطه که مسائلی با تاریخی طولانی هستند گم شد. سخنرانی های مربوط به خلقها در رابطه با وزنه سنگین "خلق گرد" منسجم شده، در پنل دوم که جای مسائل عمومی بود، با سخنرانی نماینده پژاک که راه حلش برای ایران، راه حل پ.ک.ک برای خاور میانه بود، زیر ایدئولوژی خلقی مرد مدار، زن ستیز و ضد دموکراتیک اوجالان قرار می گرفت.

اوج بی اعتمادی من وقتی بود که در پایان کنفرانس متنی بعنوان قطعنامه خوانده شد که معلوم نبود چه کسانی و کی آن را نوشته و چگونه به تصویب رسانده بودند. با آن اول و این آخر، کنفرانس مثل یک کنگره حزبی یا کنگره احزاب برادر جلوه می کرد. در اینجا بود که حذف یا تغییر نام کنفرانس با جابجائی کلمه جنبش، با تیترها و ارگان های نام برده شده در صفحه اول برنامه نیز برایم معنی دار شدند. بنظر من جای تعجب نبود اگر بخش بزرگی از مردم آزادیخواه،

بخصوص فعالان اپوزیسیون چپ ایرانی از هر ملیتی، که در زمان انقلاب ایران در کنار و همراه مردم کوردستان جنگیده بودند، حضور نماینده سیاست ترامپ و جای خالی نظرات مخالف پ.ک.ک و پژاک و صدور قطعنامه را دلیلی بر وابستگی مسئولین و سازماندهان این کنفرانس ببینند. از این رو به انتقاد مستقیم از برگزارکنندگان کنفرانس اکتفا نکرده، علنی کردن آن را وظیفه خود دانستم.

رادیو همبستگی به تقاضای من، در برنامه روز شنبه بیستم ژانویه ۲۰۱۸، فرصتی برای طرح انتقادات من و شنیدن نظر آقای بهرام رحمانی، از برگزارکنندگان و سخنرانان این کنفرانس، ایجاد کرد. انتقادات من تنها بر اساس آن چیزی بود که من تجربه کرده بودم. من با احترام به شرکت کنندگان و برگزارکنندگان کنفرانس، بدون آنکه با ذکر نام، کسی را در مظان اتهام قرار دهم، انتقاداتم را مطرح کردم که با چند نقل قول از کتاب "مانیفست آزادی زن در قرن بیست و یکم"، نوشته اوجلان و نشریه "ولایتی آزاد - ارگان حزب حیات آزاد کوردستان پژاک" به پایان می رسید.

به گمانم این نقل قول ها بیش از هرچیز باعث خشم آقای رحمانی شد. ایشان در مصاحبه رادیویی از پاسخ به نکات مورد انتقاد من طفره رفته، با عنوان کردن مطالبی دور از حقیقت، من را به شانناژ و دروغگوئی متهم کردند.

هیچ کس نمی تواند منکر این واقعیت از پیش معلوم شود که در این کنفرانس بعثت تنگی وقت جایی برای بحث و گفتگو در نظر گرفته نشده بود. من بعنوان سخنران در ۱۵ دقیقه وقت مقرر، بزحمت فرصت ارائه متن خودم را داشتم. آقای رحمانی در مصاحبه رادیویی نشست بعد از کنفرانس در انستیتوی گردی را جلسه جمع برای جمع بندی معرفی کردند. نه شرکت کنندگان از قبل از چنین جلسه ای اطلاع داشتند و نه همه در آن شرکت کردند. شرکت من به صرف کنجکاوی بود. در آن زمان کوتاه نه جای بحث و گفتگو بود و نه جای جمع بندی و تصویب قطعنامه. من مثل تعدادی دیگر که سؤال یا پیشنهادی داشتند، ۵ دقیقه در بار اول و ۲ دقیقه در بار دوم وقت حرف زدن داشتم. در ۵ دقیقه اول من سؤالاتی مطرح کردم: در چرایی اکثریت قریب به اتفاق بودن شرکت کنندگان کرد. از ۱۲۰ نفر جمعیت حاضر در کنفرانس،- در مورد هویت ارگان هائی که نامشان در صفحه اول برنامه ای که در کنفرانس پخش شد آمده بود و من از وجودشان بی اطلاع بودم،- در مورد برنامه ای که فرستاده نشد،- در مورد قطعنامه که معلوم نبود مال کی بود و اینکه آیا آن ها که موافقند امضاء خواهند کرد؟

آقای رحمانی بعنوان رئیس جلسه در جواب سؤال من در مورد قطعنامه فقط گفتند که هیچکس امضا نمی کند، معنی اش برای من این بود که بنام همه تمام می شود. من تنها گمگشته در این کنفرانس که مثل یک پلنوم حزبی بود، نبودم. این را وقتی فهمیدم که یکی از سخنرانان غیر کرد از چگونگی عضویت و پرداخت حق عضویت پرسید! آقای رحمانی در این جلسه از پاسخ به سؤالات دیگر من نیز طفره رفته، مقدار زیادی در این رابطه که اسم اسپونزورها باید بیاید حرف زدند که ارتباطی با سؤال من نداشت. در مورد دو سؤال دیگر به همینگونه موضوع را منحرف کرده، هر دو را یک جا و با یک ادعا، نابجا معرفی کرده، گفتند ما سه هفته قبل یک اطلاعاتی عمومی در سایت ها داده ایم. بر طبق آن هرکس که مایل به شرکت بود باید تا یک هفته قبل از کنفرانس اطلاع می داد. من می دانستم که تا روز ۲۹ دسامبر چنین چیزی اینترنت نبود. نیاز به گفتن نیست که اگر چنین چیزی هم وجود می داشت، این وظیفه من که بعنوان سخنران دعوت شده بودم نبود که در سایت ها دنبال بیانیه و دعوت نامه بگردم. قابل توجه است که آقای رحمانی در مصاحبه رادیویی اعلام برنامه و دعوت عمومی در سایت ها را یک ماه قبل از کنفرانس ذکر کردند. بعد از مصاحبه رادیویی باز به جستجو پرداختم، تنها در دو سایت مطالبی یافتم: سایت [anf news persian](http://anfnews.com) که در آن به تاریخ چهارشنبه سوم ژانویه خبر "کنفرانس پلاتفرم جنبشها و خلقهای ایران در مقر پارلمان اروپا در پایتخت بلژیک برگزار خواهد شد"، همراه با بیانیه پلاتفرم منتشر شده بود. دیگری سایت "بالاترین" بود که در روز یازدهم ژانویه خبر نادرست زیر را منتشر کرده بود: "امروز کنفرانسی در پارلمان اروپا با شرکت جنبشهای سیاسی و شخصیت های مستقل چپ و دموکرات پیرامون جنبش اخیر مردم ایران برگزار شد ..."

آنچه که آقای رحمانی در مصاحبه راجع به اعتراض من به کوتاهی در مورد زبان فارسی گفتند حقیقت ندارد. من خودم را با هیچ قوم و ملیتی تعریف نمی کنم، هرچند که زبان مادری ام فارسی است. سؤال من در جمع بعد از کنفرانس، در رابطه با چند زبان رسمی برای ایران، صرفاً از سر کنجکاوی بود. من خود را در این مورد صاحب نظر نمی دانم و به دلیل حساسیتی که در این جمع وجود داشت، در دو دقیقه وقتی که در نوبت دوم داشتم گفتم و تکرار کردم که من مخالف نظر شما نیستم، مایلم بدانم که با چند زبانی در کشوری مثل ایران با زبانهای بسیار، چگونه مسائل اداری رفع و رجوع می شوند.

بعد از شنیدن گفتار خصمانه آقای رحمانی از رادیو، به این نتیجه رسیدم که برنامه ریزی و سازماندهی اینچنینی نه فقط از روی نا آگاهی و بی تجربگی، بلکه هرچند نه با آگاهی همه برگزارکنندگان، برنامه ای هدفمند بوده است.

برای کشف مجهولات می بایستی از آغاز - بازگشائی کنفرانس شروع کرده، مسئولیت کسب اطلاع از هویت Kenneth R. Timmermann، و سازمانش - بنیاد دموکراسی برای ایران، را خود به عهده بگیرم.

جستجو کرده و دریافتم که این شخص بنیانگذار سازمانی است که بخشی از همکارانش از مقامات سابق CIA می باشند، از جمله:

R. James Woolsey دایرکتور سابق CIA که عضو فعلی Advisory Bord، در بنیاد برای دموکراسی در ایران است.

با این اطلاع بود که بر آن شدم مخالفت خود را با چاپ سخنرانی ام در دفتری که قرار است منتشر شود اعلام کرده، خود با ضمیمه ای در باره این کنفرانس در انتشار آن بکوشم، به این امید که برای دیگر فعالان سیاسی مفید باشد.